نشریه علمی مطالعات تفسیری
سال ۱۳، پاییز ۱۴۰۱، شماره ۵۱
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۴۶ ـ ۲۷

Scientific Journal
Commentary Studies
Vol. 13,Autumn 2022, No. 51
Scientific Research Article

بررسی مقارنه‌ای دیدگاه تفسیری طباطبایی و آلوسی در شهادت پیامبر و مؤمنان در قیامت

محمد صدقی الانق*
محمدولی اسدی**

چکیده

شاهد بودن رسول خداﷺ و مؤمنان در قیامت آموزه مسلم قرآن کریم است. اما مسائلی ازجمله: چگونگی تحمل شهادت، منظور از امت، نحوه آگاهی از اعمال، چگونگی ادای شهادت و ... مورد اختلاف مفسران است که این اختلاف‌ها اصل مسئله را مبهم نموده است. در این مقاله تلاش شده است با هدف روشن شدن کامل مسئله شهادت نبوی و مومنان از دیدگاه مفسران شیعه و اهل‌تسنن، آراء تفسیری سید محمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان و سید محمود آلوسی در تفسیر روح المعانی به‌صورت مقارنه‌ای و با روش توصیفی ـ تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد. یافته تحقیق ضمن بیان نکات مشترک، بیانگر نکات اختلاف نظر این دو مفسر است که اصلی‌ترین اختلاف آنها در شهادت امت است؛ طباطبایی معتقدست افرادی برگزیده از امت رسول خداﷺ با حضور دائمی خود به‌عنوان ناظر اعمال در قیامت شهادت می‌دهند اما سید محمود آلوسی، همه امت نبویﷺ را شاهد اعمال می‌داند.

واژگان کلیدی

تفسیر مقارن، شاهدان قیامت، امت اسلامی، اهل‌بیتﷺ.

---

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول). sedghi@atu.ac.ir
**. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. mohammadvali.asadi@phu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۵

طرح مسئله

از آموزه‌های قرآن کریم دیدن اعمال مردم و شاهد بودن رسول خدا، محمد بن عبدالله ﷺ و مؤمنین صالح امت ایشان بر اعمال مردم و گواهی دادن در قیامت بر تبلیغ انبیاء و اعمال امم آنان است. اما علی‌رغم مورد اتفاق بودن اصل مسئله در میان مفسران قرآن کریم از آنجا که شاهد باید حضورداشته و عالم به موضوع شهادت باشد چنان‌که قرآن کریم از زبان حضرت عیسی ؑ می‌فرماید: «من در زمان حضور در میان آنان شاهد بودم ...» (مائده / ۱۱۷) یعنی در زمان عدم‌حضور شاهد نبودم، بر این پایه مسائل متعددی چون چگونگی دیدن اعمال مردم و تحمل شهادت و شهادت امت ایشان بر امم و اینکه آیا همه افراد امت حتی فاسدان و غیرعاملان به شریعت نبوی، می‌بینند و شهادت می‌دهند یا منظور از امت افراد خاص هستند؟ و چگونگی آگاهی بر اعمال و شهادت بر آنها و مسائل دیگر در میان مفسران مورد اختلاف است؛ به نحوی که اصل مسئله مسلم قرآنی شاهد بودن رسول خدا ﷺ و مؤمنین را با ابهام روبه‌رو نموده است. ازاین‌رو بیان روشن و صحیح مراد قرآن کریم در مسئله، نشانگر ضرورت و اهمیت این بحث است. نویسندگان بنا بر نور و تبیان بودن قرآن کریم بر آن هستند که خود قرآن کریم به حول الهی اصل و جوانب مسئله را روشن نموده است. ازاین‌رو برای این منظور و فهم معنای صحیح سه آیه: (بقره / ۱۴۳؛ سوره توبه / ۱۰۵؛ نحل / ۸۹) که مربوط به شهادت دادن و دیدن رسول خدا ﷺ و مؤمنین در قیامت هستند، به تفاسیر متعدد مراجعه شده و درنهایت تفسیر ***المیزان*** علامه طباطبائی از شیعیان و تفسیر ***روح المعانی*** آلوسی از اهلِ‌سنت را به‌عنوان نمایندگان بیان‌کننده دیدگاه دو مکتب انتخاب و مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در شاهد بودن پیامبر ﷺ افزون بر بحث‌های تفاسیر، نوشته‌های مستقلی مانند: ۱. مقاله پیامبر اکرم ﷺ شاهد بر اعمال انبیاء تحقیق از فاضل لنکرانی. ۲. مقاله پیامبر و مؤمنان صالح شاهد اعمال نوشته کدیور. ۳. مقاله پیامبر اکرم شاهد اعمال است تهیه شده موسسه گنجینه معارف. ۴. مقاله گواه بودن پیامبر تهیه شده موسسه پرسمان دانشگاهیان و ... نوشته شده است، اما این نوشته‌ها ضمن این‌که به بیشتر سؤال‌های گفته‌شده نپرداخته‌اند به بحث تطبیقی، آن‌هم در میان این دو تفسیر وارد نشده‌اند، ازاین‌رو این تحقیق در موضوع خود (بررسی تطبیقی و مقایسه آراء دو مفسر) کاملاً جدید است. بر این پایه سؤال تحقیق این است که نقاط اشتراک و افتراق این دو تفسیر در بیان مسائل شهادت پیامبر و مومنین چیست؟

مفهوم‌شناسی

الف) شهادت

شهود و شهادت: به‌معنای حاضر بودن و گواه بودن یا با مشاهده چشم و یا بـا اندیشـه و بصـیرت اسـت. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۵) دهخدا نیز در معنای شهادت می‌نویسد: شهادت به‌معنـای تأییـد، گـواهی، گواهی دادن است و اگر شهادت برخلاف واقع باشـد دروغ و گـواهی نادرسـت و شـهادت زورمـی باشـد. (دهخدا، ۱۳۷۵: ماده شهادت) بنابراین معنای لغوی شهادت: سخن گفتن از روی علم و آگاهی اسـت کـه از حضور و مشاهده و دیدن با حواس و چشم یا با بصیرت حاصل شـده باشـد. مرحلـه اول در شـهادت و گواهی نمودن حضور و تحمل شهادت است و مرحله دوم ادای شهادت بـر پایـه حضـور اسـت. پـس در شهادت آگاهی یقینی از موضوع شهادت، لازم است.

«شهادت» در فقه نیز به‌معنای گواهی دادن به چیزی از روی علم قطعی و یقینی است، که یکی از دلایل اثبات دعوا در فقه است. (امام خمینی، بی‌تا: ۲ / ۴۴۵؛ نوری، ۱۳۷۹: ۱۳۷)

ب) وسط

«وسط» یا میانه هر چیز، نقطه‌ای است که دو طرف آن مساوی منظور شود و در کمیت بـه هـم پیوسـته مثل جسم به‌کار می‌رود.

«وسط» با سکون، در کمیت منفصل به‌کار می‌رود، مانند چیزی که بین دو جسم فاصله می‌شود ... وسْط قوم (با سکون) ـ میانه مردم و فردی که برترین قوم از نظر موقعیت باشد، گفته می‌شود: این أَوْسَط قوم است از جهت حسب و منظور از این استعمال مدح وی بر عدل و انصاف و دوری از افراط و تفریط است.

نیز وسط برای چیزی که دو طرفش مذموم و ناپسند است، گفته می‌شود. مثل جود که بین بخل و سرف (درگذشتن از حد) به‌کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶۹)

ج) یری

«رؤی» به‌معنای درک نمودن دیدنی است و این درک به حسب قوای نفسانی چند قسم است:

۱. ادراک با حس و امثال آن ۲. ادراک با وهم و تخیل ۳. ادراک با تفکر و ... (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷۴) در ***قاموس قرآن*** دارد که اگر «رأی» دو مفعول داشته باشد، به‌معنای علم و دانستن است. (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق: ۳۴)

در ادامه به بررسی سه آیه مورد بحث پرداخته می‌شود:

الف) بررسی دیدگاه مفسران در تفسیر آیه

۱. علامه طباطبائی

آیه شریفه می‌فرماید:

وَ کذلِک جَعَلْناکمْ أُمَّه وَسَطاً لِتَکونُوا شُهَداءَ عَلَي النَّاسِ وَ یکونَ الرَّسُولُ عَلَیکمْ شَهیداً.
همان‌گونه شمارا نیز امت میانه‌ای قراردادیم تا گواه بر مردم باشید و پیامبر هم گواه بر شما.

مقصود از امت وسط

ایشان، نخست نظر برخی از مفسران را بیان می‌کند، که وسط را به‌معنای دوری از افراط و تفریط دانسته و گفته‌اند: امت اسلام، امت وسط و دور از افراط و تفریط است و ازاین‌رو آنان که افراط نموده، تارک دنیا شده و رهبانیت را انتخاب می‌کنند، مثل برخی از مسیحیان و نیز آنان که تفریط کرده و فقط دنیا و مادیات را دنبال می‌کنند، مانند کافران، باید در اصلاح مسیر، خود را به امت دور از افراط و تفریط تطبیق نمایند. چون وسط به‌معنای میانه دو طرف است و امت اسلام نسبت به ـ اهل کتاب و مشرکان ـ همین وضع وسط را دارد و خدا برای امت اسلام دینی را قرار داده که آنان را به راه بدون افراط و تفریط، (هم به دنیا و هم به معنویت) هدایت می‌کند، و این امت به همین دلیل بر دو طرف افراط و تفریط شهید است و رسول خداﷺ نیز به‌عنوان مَثل اعلای این امت، شهید بر این امت است، ازاین‌رو او میزانی است که تک‌تک افراد امت اسلامی خود را با او می‌سنجند و با آن تطبیق می‌کنند، و خود امت نیز میزانی است که سایر امت‌ها با آنان سنجیده می‌شوند.

علامه پس از نقل این دیدگاه، این بیان را به جهت این‌که با سیاق آیه هماهنگ نیست، مردود دانسته و می‌نویسد: «لازمه وسط بودن آن نیست که این امت دو طرف را مشاهده کند؛ زیرا بین وسط بودن به این معنا و شاهد بودن (به معنای لغوی) رابطه‌ای وجود ندارد، افزون بر این، شاهد بودن رسول بر امت نتیجه وسط بودن امت نیست که آیه به خاطر آن شهادت رسول را غایت بر وسط بودن امت قرار داده است».

ایراد دیگر این‌که شهادتی که در آیه آمده، خود یکی از حقایق قرآنی است، که در موارد متعدد قرآن آمده که در آن موارد شهادت به این معنا که گفتید، نیامده است. ایشان با استناد به آیات (نساء / ۴۱؛ نحل / ۸۴؛ زمر / ۶۹) می‌نویسد: شهادت در این آیات مطلق آمده و از ظاهر همه پیداست که منظور از شهادت، شهادت و گواهی بر اعمال امت‌ها و بر تبلیغ انبیاء است، هم چنان‌که آیه (اعراف / ۶): «سوگند که، از مردمی که فرستادگان به سویشان گسیل شدند، و نیز از [خود] فرستادگان پرسش خواهیم کرد»

نیز به این معنا اشاره می‌کند، چون هرچند که این پرسش در قیامت صورت می‌گیرد، ولی تحمل شهادت در دنیا خواهد بود، چنان‌که آیه (مائده / ۱۱۷) با حکایت کلام حضرت عیسی‌علیه‌السلام می‌فرماید: «من تا در میان آنان بودم، شاهد بر آنان بودم، ولی همین که مرا میراندی، دیگر خودت مراقب آنان بودی...» و نیز آیه (نساء / ۱۵۹) «روز قیامت عیسی بر مردم خود گواه است» همین معنا را می‌رساند.

بر این پایه از نظر طباطبایی شهادت مورد نظر قرآن کریم در آیات متعدد، شهادت بر اعمال امت‌ها و نیز گواهی بر تبلیغ رسالت انبیاء است نه الگو بودن که آن مفسر می‌گوید.

علامه در ادامه می‌نویسد: حواس تنها شکل ظاهری اعمال را می‌بینند، بنابراین گرچه ما شاهد بر اعمال ظاهری سایر امت‌ها باشیم اما اعمالی را که مردم در خلوت انجام می‌دهند و نیز حقایق و باطن اعمال و بالاخره هر آنچه از حس آدمی پنهان است و احوال درونی که مدار حساب در قیامت بر آنها است، برای ما قابل مشاهده نیسد. قرآن می‌فرماید: «خدا شما را به آنچه در دل‌هایتان پیداشده مؤاخذه می‌کند». (بقره / ۲۲۵) بدیهی است که برای درک حسی همه اینها حتی در مورد انسان‌های معاصر راهی نیست، چه رسد به انسان‌های غایب، مگر کسی که خدا متولی امر او شده، و این‌گونه اسرار را برای او کشف کند. لذا به نظر علامه معنای صحیح «شهادت» در آیات قرآنی، تحمل حقائق اعمال مردم است. نه به این معنای که امت دارای دینی کامل و جامع حوائج جسمانی و روحانی باشد (چنان که آن مفسر می‌گوید) چون این معنا ضمن این‌که خلاف ظاهر کلمه شهادت است، خلاف ظاهر آیات دیگر که اشاره شد، نیز هست. حاصل این‌که شهادت عبارت است از حضور و تحمل حقایق اعمالی که مردم انجام می‌دهند. سپس در روز قیامت، شاهد طبق آنچه دیده، ادای شهادت می‌کند. روشن است که چنین مقامی بس والا، شأن همه امت حتی صاحبان مرتبه بعد از اولیاء، نیست چه رسد به افراد پایین‌تر یا فرعون‌های امت! ازاین‌رو این مقام، کرامت خاصه‌ای است برای اولیاء الهی که طبعاً هیچ عاقلی جرئت نمی‌کند بگوید طبقات پایین‌تر امت نیز چنین مقامی (شهادت بر باطن اعمال مردم) را دارا هستند.

بر پایه این معنا و با توجه به تفسیر آیه «کسانی که خدا و این پیامبر را اطاعت کنند، همدم انبیا و صدیقان و شهدا و صالحان‌اند ...» (نساء / ۶۹) و با توجه به تفسیر آیه (توحید / ۴) روشن است که کمترین مقام شهدا ذکرشده در آیه ۶۹ نساء این است که در سایه ولایت خدا، اصحاب صراط مستقیم‌اند، لذا علامه می‌نویسد: مراد از شهید بودن امت در آیات، این است که شهدا دارای آن خصوصیات [دیدن و گواهی دادن] در این امت هستند (یعنی گروهی نه همه امت)، همانند تفضیل بنی‌اسرائیل بر عالمیان، که معنای آن این است که افرادی که بر همه عالمیان برتری دارند، در این امت‌اند، نه اینکه تک‌تک بنی‌اسرائیلی بر عالمیان برترند، پس شهید بودن امت اسلام؛ یعنی در این امت کسانی هستند که شاهد بر

مردم باشند، و رسول، شاهد بر آنان باشد. علامه در تأیید مطلب به روایت امام باقرؑ (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۴ / ۱۷۹) اشاره کرده، که فرمود: «شهدا بر مردم، جز ائمه و رسول نیست و جایز نیست که خدا امتی را به شهادت بطلبد که در میان آنان افرادی هست که شهادتشان به یک بسته سبزی مجاز نیست». (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۳۲)

تحقیق

همانند این روایت، روایات متعدد از اهل‌بیت است: امام علیؑ فرمود: «مقصود از آیه «لِتَکونُوا شُهَداءَ عَلَي النَّاسِ» ما هستیم، رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله بر ما شاهدند و ما شهدای خدا و حجت او بر خلق او هستیم و خدا در مورد ما فرمود: «وَ کذلِک جَعَلْناکمْ أُمَّه وَسَطاً». (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۴؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۶۲) و احادیث فراوانی در این این زمینه است‌که ائمهؑ شهدای خدایند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۹۰؛ صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۶۳)

علامه طباطبایی در مورد آیه (حدید / ۱۹) «کسانی که به خدا و فرستادگانش ایمان می‌آورند، آنان نزد پروردگارشان صدیقان و شهدا هستند» که ظاهرش شهدا بودن عموم مؤمنان است، می‌نویسد: ازجمله «عند ربهم» در آیه پیداست که چنین کسانی در قیامت نزد پروردگارشان از شهدا خواهند بود، نه در دنیا، افزون بر این، آیه ذکرشده مطلق است، ازاین‌رو اگر ظاهر آیه لحاظ شود، همه مؤمنان به رسل در همه امت‌ها نزد خدا شهید می‌شوند نه تنها مؤمنان این امت، بر این پایه از آیه نتیجه نمی‌شود که همه مؤمنان این امت شهیدند.

اگر سؤال شود که شاهد بر اعمال بودن بعضی از افراد امت و شاهد بر شاهدان بودن رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله چه ارتباطی بر وسط قرار دادن این امت دارد؟ وی در پاسخ می‌نویسد: علاوه بر این‌که این اشکال به بیان شما هم وارد است، گفته می‌شود: در این آیه شهادت غایتی است بر وسط بودن امت. ازاین‌رو وسط بودن معنایی است که شهادت شهدا را به‌دنبال دارد، چنان‌که آیه ۷۸ ـ ۷۷ حج نیز چنین است: «ای کسانی که ایمان آوردید، رکوع کنید ... او شما را برگزید، و در دین هیچ حرجی بر شما قرار نداد ... تا رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله شهید بر شما، و شما شهیدان بر مردم باشید ...» در این آیه شریفه شهید بودن رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله بر شهیدانی که شهدا بر مردم‌اند و شهید بودن آنها بر مردم، بر اجتبا، و بر نبودن حرج در دین، متفرع شده است. پس اگر ما شما را برگزیدیم، برای این بود که رسول، شاهد بر شما شود و شما شاهد بر مردم و واسطه میان رسول و مردم باشید. در اینجاست که دعای حضرت ابراهیمؑ در مورد شما و در مورد رسول مصداق می‌یابد، چون آن جناب عرضه داشت: «پروردگارا در میان امت مسلمه رسولی برانگیز، تا آیات تو را بر آنان تلاوت کند و کتاب و حکمتشان بیاموزد و تزکیه‌شان کند» (بقره / ۱۲۹) در نتیجه شما

امت مسلمه‌ای می‌شوید که رسول کتاب و حکمت را بر شما می‌آموزد و به تزکیه او مزکی می‌شوید، حال که شما امت مسلمه‌ای می‌شوید، خالص در عبودیت برای خدا، رسول در این مقام پیش‌قدم و هادی و مربی شماست او در این مقام تقدم بر همه دارد و شما واسطه برای رساندن مردم به او هستید. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۲۳)

علامه طباطبایی در پایان تفسیر این آیه، می‌نویسد:

> شهادت بر اعمال، به طوری که از کلام خدای تعالی برمی‌آید، مختص به شهیدان از مردم نیست، بلکه هرکسی و هر چیزی که کمترین ارتباطی با اعمال مردم دارد، او نیز بر همان اعمال شهادت دارد، مانند ملائکه، زمان، مکان، دین، کتاب، جوارح بدن، حواس، قلب، که همگی اینها شاهد بر مردم هستند. در ضمن از خود کلمه شهادت فهمیده می‌شود: آن شاهدی که از میان نامبردگان در روز قیامت حاضر می‌شود، شاهدی است که در این دنیا نیز حضور دارد و یک نحوه حیاتی دارد که به وسیله آن، خصوصیات اعمال مردم را درک می‌کند و خصوصیات نامبرده در او نقش می‌بندد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۲۲ ـ ۳۱۹)

امین الاسلام طبرسی نیز بر این باور است که منظور از مؤمنان افراد خاص است و آنها کسی جز ائمه‌علیهم‌السلام نیستند [چنان که امام باقرعلیه‌السلام می‌فرماید. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۳ / ۴۹۶) طبرسی با طرح این سؤال که با وجود افراد نامناسب در میان امت چگونه همه امت وسط نامیده شده‌اند، می‌نویسد: منظور آیه افرادی از امت است که دارای این وصف‌اند و چنین افراد بر پایه روایات، ائمه‌علیهم‌السلام هستند که تا قیامت در هر عصر حضور دارند. امام باقرعلیه‌السلام فرمود: امت وسط ماییم. و امام علی‌علیه‌السلام نیز فرمود: رسول گواه ماست و ما گواه مردم. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۴۱۵)

علامه طباطبایی در بحث روایی آیه، به احادیثی از اهلِ‌سنت بدین مضمون که «در قیامت امم گذشته تبلیغ انبیاء خود را انکار می‌کنند، از انبیاء بر اثبات تبلیغ خود شاهد خواسته می‌شود، آنگاه امت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله شهادت بر تبلیغ انبیا می‌دهد. امت‌های دیگر اعتراض می‌کنند که شما از کجا دانستید؟ گویند: از کتاب آسمانی‌مان که از تبلیغ انبیاء گذشته خبر داده، سپس محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله امت خود را تزکیه کرده و به عدالتشان شهادت می‌دهد و شهادت امت خود را تأیید می‌کند» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۴۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱ / ۳۲۷) اشاره کرده سپس آن احادیث را با این بیان رد می‌کند که:

اولاً: تزکیه و تعدیل تمامی امت از ناحیه پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در قیامت، با وجود افراد فاسد با اعمال جنایت‌کارانه در میان امت، معنا ندارد، چطور آن حضرت طاغیان و فرعون‌های این امت را تزکیه و تعدیل

می‌کند؟ آیا این روایات طعن بر دین حنیف و بازیگری با حقایق دین نیست؟ مگر این‌که تزکیه و تعدیل گروهی از امت مراد باشد نه همه، آن چنان‌که امام باقرؑ فرمود: «منظور از شهدای امت، کسی جز امامان نیست و معقول نیست خدا از امت شهادت بطلبد، درحالی که در میان امت کسانی هستند که شهادتشان در مرافعه بر سر یک من خرما در دنیا پذیرفته نبود.» (عیاشی، ۱۴۲۰: ۱ / ۶۳) به تعبیری علامه می‌گوید معقول نیست خدای متعال در قیامت از کسی شهادت بخواهد که در دنیا شهادتش به اندازه یک بند سبزی ارزش نداشت! و آن وقت شهادت چنین کسی در درگاهش پذیرفته شود! چون خدای متعال چنین چیزی را از خلق خودش نمی‌پسندد، آن وقت خودش چگونه انجام می‌دهد؟ ازاین‌رو منظور از امت، افرادی است که مصداق آیه: «**كُنْتُمْ خَيرَ أُمَّه أُخْرِجَتْ لِلنَّاس**»، (آل‌عمران / ۱۱۰) هستند و آنان امت وسط و بهترین امت‌اند که خدا برای مردم، خلقشان کرده است. در غیر این صورت چنین روایاتی از اهلِ‌سنت، مطلب خلاف ضرورت کتاب و سنت را اثبات می‌کنند.

ثانیاً (دلیل رد) این‌که روایات ذکرشده از شهادت نظری گفتگو دارند نه شهادت تحمل، چون امت اسلام در زمان انبیاء گذشته حاضر نبودند، تا تبلیغ رسالت انبیاء گذشته را ببینند، روشن است که شهادت نظری بدون تحمل شهادت اعتبار ندارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۳۱)

افزون بر دلایل رد علامه، دلیل دیگر این‌که گفته می‌شود این روایات با معنای وسط که مفسران اهل تسنن بیان می‌کنند، ناسازگار است؛ زیرا منظور از شهادت امت وسط به گفته آلوسی امت دور از افراط و تفریط است و شهادت عملی است اما محتوای روایات گفته‌شده ادای شهادت (نظری) است.

۲. آلوسی

آلوسی همانند ابن‌عاشور (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲ / ۱۹) این آیه را در مدح مؤمنان دانسته که بیان‌کننده شاهد بودن امت اسلامی بر دیگر امت‌ها در قیامت است؛ ازاین‌رو سزاوار است که امم دیگر بر آنان اقتدا نمایند. وی در مورد شهادت رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله در روز قیامت در ذیل آیه ۴۱ نساء می‌نوسد: شهادت پیامبر اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله بر شهدا بدین جهت است که شریعت وی جامع است. ازاین‌رو حضرت بر آن چیزی که انبیاء فرستاده شده‌اند، آگاهی دارد و شهادت می‌دهد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۳)

وی برخلاف این بیان در جایی در علم پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله بر شهادت به امت خود چنین می‌نویسد: علم رسول بر شهادت به امت خود با تعریف علاماتی از سوی خداست که به پیامبر ظاهر می‌شود و او را مجاز به شهادت می‌کند و نیز از این جهت است که در برزخ اعمال امت هر هفته (کمتر و یا بیشتر) به خدمت حضرت عرضه می‌شود. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۹ / ۲۰۰)

وی علم پیامبرﷺ بر شهادت را با حدیث حوض ناسازگار می‌داند. از ابن‌حنبل نقل کرده است که: (در قیامت برخی اصحاب را از حوض جدا کرده و می‌برند، رسول خداﷺ می‌فرماید: اصحابم! گفته می‌شود «... **لا تدري ما تفعلون بعدک!**» روشن است که ظاهر این روایت عدم علم پیامبرﷺ را می‌رساند و این یعنی ناسازگاری با علم و شاهد بودن پیامبر!

آلوسی معنای وسط در آیه را خیار و عدول دانسته با این توضیح که: وسط در اصل نام چیزی است که نسبت اطراف بر آن مانند مرکز به اطراف مساوی است، سپس در خصال پسندیده بشری به‌کار رفته است؛ چون نسبت آن به صفات ذمیمه اطراف خود وسط است، مانند شجاعت نسبت به ترس و بی‌باکی، ازاین‌رو این کلمه به فردی که متصف به اعتدال است، از باب اطلاق حال بر محل اطلاق شده است و از جاهایی که وسط در مقام وصف مدح به‌کار می‌رود، مقام شهادت است، مانند محل بحث؛ زیرا وسط همان عدالت است که کمال قوه عقلیه و وسط قوه شهویه و غضبیه است.

نقد

اولاً در مورد معنای وسط در آیه از نظر آلوسی، ممکن است گفته شود گرچه این معنا در لغت آمده اما ظاهراً این معنا در آیه درست نیست؛ زیرا آیا خدای متعال امت‌های دیگر را خیار و عدول قرار نداده است!؟ ثانیاً بیان آلوسی در تفسیر آیه مضطرب است زیرا ظاهر کلامش در منظور از شاهد بودن، الگو بودن و داشتن دین جامع است و در ادامه از علم پیامبر و شهادت نظری حضرت صحبت می‌کند.

آلوسی همانند ابن‌عاشور (همان / ۲۰) نظر برخی از مفسران اهلِ‌سنت ازجمله فخر رازی را (رازی، ۱۴۲۰: ۴ / ۸۹) که گفته‌اند این آیه دلیل بر حجیت اجماع است، با آوردن دلیل نمی‌پذیرد.

سپس به نظر شیعه در مورد امت وسط که طبق احادیث مسلم، آیه را مخصوص ائمه دوازدهگانه دانسته و گفته‌اند: «زمین تا آخر از حضور آنان خالی نمی‌شود و آنان شاهد امت‌ها هستند و قول هر یک از آنان حجت است»، اشاره نموده و آن را بدون ارائه دلیلی خرط القتاط دانسته و رد می‌کند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۰۴ و ۴۰۳)

نقد

برای یک فردی مثل آلوسی، زیبنده نیست مطلب علمی و نظر دیگران را که مستند به دلایل و روایاتی است که برخی از آنها مورد اتفاق است، بدون ارائه دلیل خرط القتاط نامد و مردود اعلان کند، درحالی که وی در بحث خلافت آدمؑ می‌نویسد:

> لم تزل تلک الخلافة في الإنسان الكامل إلى قيام الساعة و ساعة القيام، بل متي فارق هذا الإنسانُ العالَمَ مات العالم لأنه الروح الذي به قوامه ... . (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱ / ۲۲۲)

نکات اشتراک و اختلاف تفسیری آیه ۱۴۳ بقره از دیدگاه طباطبایی و آلوسی

طباطبایی و آلوسی ضمن اتفاق بر اصل شهادت رسول‌اللهﷺ و مؤمنان در منظـور از مـؤمنین و نیـز در معنای شهادت و امت وسط به ترتیب زیر با هم اختلاف نظر دارند:

۱. به نظر علامه طباطبایی، منظور از شهادت، با توجه به آیات متعدد و معنای لغوی شهادت، تحمل آن در دنیا و ادای آن در قیامت است و لازمه چنین شهادت این است که شاهد از اعمال و انگیزه عمل مشهود علیه آگاهی داشته باشد چنین مقامی از عهده کسانی ممکن است که خدا متولی امر او بوده و مسائل را بر وی کشف نماید و این مقام به همه مؤمنان ممکن نیست بلکه افراد خاص هستند و آنان کسی جز ائمهؑ نیستند. چنان‌که روایات معصومانؑ تصریح بر این نموده‌اند. اما آلوسی منظور از مؤمنان را همه امت پیامبرﷺ دانسته و گوید: آیه در مدح مؤمنان و الگو بودن آنان است و دیگران باید مؤمنان را الگو قرار دهند و شهادت پیامبرﷺ بر شهدا ازاین‌رو است که شریعت وی جامع است. بدین جهت حضرت بر آن چیزی که انبیاء فرستاده شده‌اند، آگاهی دارد و شهادت می‌دهد و علم پیامبر بر شهادت، هم با تعریف علائمی از سوی خدا و هم به جهت عرضه اعمال امت در برزخ به پیامبر است.

۲. منظور از وسط بودن امت، به نظر علامه طباطبایی همه مؤمنان نیست بلکه واسطه بودن گروه خاصی از مؤمنان بین امت و پیامبرﷺ است و این همان شاهد بودن ائمه دوازده‌گانه بر اعمال مردم و شهادت و تزکیه پیامبرﷺ بر شهادت حضوری ائمهؑ است؛ زیرا حضور آنان بر پایه روایات تا قیامت مسلم است. اما آلوسی مراد از وسط را معنای لغوی آن همان خیار و عدول دانسته است و به نظر ایشان همه مؤمنان شاهدند؛ چون عدول هستند.

۳. علامه طباطبایی شهادت را مختص به شهیدان امت نمی‌داند و گوید هرکسی یا چیزی که کمترین ارتباط با اعمال مردم دارد، مانند ملائکه، زمان، مکان، اعضای بدن و ... و به نوعی حضور داشته و خصوصیات اعمال مردم را درک می‌کند، می‌تواند ادای شهادت نماید.

ب) بررسی دیدگاه مفسران در تفسیر آیه ۱۰۵ توبه

دیدن اعمال مردم از سوی پیامبرﷺ و مؤمنان از موضوعات مسلم قرآن کریم در آیات ۹۴ و ۱۰۵ توبـه است، چنانچه روشن است دیدن اعمال و آگاه شدن از آنها (تحمل شهادت) به‌عنوان مقدمه ادای شهادت می‌تواند در تکمیل بحث شاهد بودن پیامبرﷺ و مؤمنان، کمک قابل توجه به وضوح بحث کند، ازاین‌رو در این قسمت دو آیه گفته شده از دیدگاه طباطبایی و آلوسی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. علامه طباطبایی

علامه طباطبایی می‌نویسد: ظاهر آیه حاکی است که منظور دیدن در دنیا است؛ چون آخر آیه می‌فرماید: «سپس به سوی داننده غیب و شهود ... برگردانده می‌شوید» و تخصیص رسول خداﷺ و مؤمنان در آیه (توبه / ۱۰۵) به دیدن، برای این است که آگاهی آنان از اعمال، بر مخاطبان مورد توجه است. ازاین‌رو علامه طباطبایی می‌نویسد از خصوص سیاق آیه فهمیده می‌شود:

اولاً جمله «فَسَيَرَي اللَّهُ عَمَلَكمْ...» ناظر به قبل از قیامت و مربوط به دنیا است، چون می‌فرماید: «سپس برمی‌گردید به داننده غیب و شهادت»، پس این دیدن مربوط به دنیا است.

ثانیاً ازآنجاکه مردم کارهای خود را در دنیا می‌بینند اما آیه می‌فرماید در روز قیامت خدا شما را به اعمال خود واقف می‌کند، معلوم می‌شود آگاهی آنان در قیامت مربوط به حقایق اعمالشان است، و از سوی دیگر از این‌که فرموده است که خدا و رسول و مؤمنان قبل از روز قیامت و در همین دنیا اعمال ایشان را می‌بینند، چنین فهمیده می‌شود که منظور از آن، دیدن حقیقت اعمال است؛ چون خود مردم هم اعمالشان را در دنیا می‌بینند، ازاین‌رو منظور از مؤمنان در آیه، همه مؤمنان نیست بلکه آنها افراد انگشت شمار از مؤمنان هستند که شاهد حقایق اعمال‌اند، این افراد همان ائمه‌اند که در تفسیر آیه شریفه «كذلِک جَعَلْناكمْ أُمَّه وَسَطاً لِتَكونُوا شُهَداءَ...» (بقره / ۱۴۳) بدان اشاره کردیم. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۳۱)

بنابراین، معنای آیه چنین می‌شود: ای محمد! بگو هر کاری که می‌خواهید چه خوب و چه بد، بکنید، که به زودی خدای سبحان حقیقت عمل شما را می‌بیند، و رسول او و مؤمنان (شهدای اعمال) نیز می‌بینند، و پس از آنکه به عالم غیب و شهود بازگشتید، حقیقت عمل شما را به شما نیز نشان می‌دهد.

به‌عبارت دیگر: آنچه انجام دهید، حقیقتش در دنیا برای خدای داننده غیب و شهادت و برای رسول او و مؤمنان مشهود است و در قیامت حقایق اعمال برای خودتان نیز مشهود خواهد شد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹ / ۳۷۹)

در ***تفسیر نمونه*** این‌که مراد از مؤمنان افراد ویژه است، به این تعبیر بیان شده است که دیدن اعمال باطنی و بسیاری از اعمال ظاهری افراد که به‌طور مخفی انجام می‌گیرد، برای همه افراد مؤمنان، [چنان‌که در تفسیر ***روح المعانی*** آمده] سخن بی‌سند است، حتی اگر این ادعا صحیح باشد که آگاهی آنان از طریق وحی و امثال آن هست، چون همه مؤمنان قابلیت وحی و امثال آن را ندارند. بر این پایه منظور از مؤمنان افراد ویژه است که در روایات مشخص شده‌اند؛ یعنی ائمهﷺ، به اضافه این‌که روایات متعدد از طریق فریقیین نقل شده که امامان تا قیامت حضور دارند و روایات عرض اعمال نیز آن را تأیید می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸ / ۱۲۸ ـ ۱۲۵)

۲. آلوسی

ایشان در آیه ۹۴ و ۱۰۵ توبه دیدن را به‌معنای «سیعلمه» گرفته و گفته مراد رؤیت علمیه است. وی تأخیر فاعل از مفعول در آیه را برای اشعار به فرق دو رؤیت (رؤیت خدا و پیامبرﷺ و مؤمنان) می‌داند و گوید رؤیت عمل دیگران، هنگامی است که نزد رؤیت کننده اطلاع بر عمل جمع شود و حاضر باشد و آگاهی او واضح باشد و نسبت چنین آگاهی به پیامبرﷺ و مؤمنان به این اعتبار است که خدا این آگهی را از آنان مخفی نمی‌کند و به‌واسطه وحی یا غیر آن بر ایشان اطلاع می‌دهد.

نویسندگان اگر قرار است خدا مطلع کند لازم نبود بفرماید پیامبر و مؤمنان می‌بینند؛ چون خدا چنین آگاهی را می‌تواند در اختیار همه چیز و همه کس قرار دهد و آنها بر پایه آن اطلاعات، شهادت دهند، بنابراین قید دیدن پیامبر و مؤمنان چه معنا دارد؟

آلوسی در رد نظر امامیه که مراد از مؤمنان را گروه ویژه از مؤمنان (ائمهؑ) دانسته‌اند، گوید: دردناک‌تر و تلخ‌تر این‌که برخی از امامیه زعم نموده‌اند که مراد از مؤمنان، ائمه طاهرین است و روایت نموده‌اند که اعمال بعد از عرض بر حضرت رسولﷺ در هر دوشنبه و پنجشنبه به آنان عرضه می‌شود. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶ / ۱۶)

نقد

دردناک‌تر این‌که ایشان بدون رد دلایل امامیه که برخی از آنها در منابع اهلِ‌سنت نیز آمده است و نیز بدون این‌که خودش دلیل آورد و بدون توجه به روایات خود اهلِ‌سنت، این نظر را با تعبیر دردناک‌تر و تلخ‌تر رد نموده است! در حالی که ایشان در بحث خلیفه بودن آدمؑ بر این باور است که خلافت بالفعل از آن انسان کامل است برای واسطه فیض بودن از خدا [موجودات به جهت قصور در دریافت فیض الهی نیاز به‌واسطه فیض دارند که انسان کامل به جهت کمالش بتواند بین خدا و بندگان واسطه شود.] (همان: ۱ / ۲۲۲ و ۲۲۳) و در توضیح می‌گوید: آنانی که خلافت را فعلیت بخشیده و به اسماء الهی دست یافته‌اند، اندک‌اند اما آنان جانشین حقیقی‌اند و از آن جهت که جانشین خدایند به اذن او قادر به انجام کارهای خدایی‌اند. (همان) از طرفی معتقد است که زمین تا پایان دنیا هرگز نباید از وجود جانشین خدا (انسان کامل) خالی باشد (همان) چون هرگاه چنین انسان کامل از جهان جدا شود جهان می‌میرد؛ زیرا چنین جانشین روحی است که جهان با آن هستی دارد پس او ستون معنوی آسمان است و دنیا عضوی از اعضای جسد جهان است که انسان هم روح آن است. (همان)

سؤال: بر پایه اینکه موجودات به جهت قصور، واسطه فیض و انسان کامل را لازم دارند آلوسی چگونه می‌گوید این موجودات قاصر، اعمال دیگران را می‌توانند ببینند، اما واسطه بودن و دید اعمال مردم

توسط گروه خاص که جانشین خدا و کامل‌اند و به اذن او کار خدایی می‌کنند، آن هم بر پایه منابع را خرط القتاط نامیده است؟!

نتیجه تفسیر آیه ۱۰۵ توبه از نظر دو مفسر

۱. از نظر علامه طباطبایی: منظور از دیدن مشاهده حقایق اعمال در دنیا است اما آلوسی دیدن را به‌معنای «سیعلمه» و آگاهی از عمل دانسته است.

۲. علامه گوید مؤمنانی که اعمال مردم را می‌بینند افراد خاص (ائمه‌علیهم‌السلام)اند اما آلوسی دیدن را به‌معنای عالم شدن همه مؤمنان دانسته که خدا این آگاهی را در اختیارشان قرار می‌دهد.

نظر طباطبایی و آلوسی در لزوم شاهدی از هر امت در قیامت بر پایه آیه ۸۹ نحل

از مسائلی که در بحث شهادت می‌تواند برای وضوح مطلب یاری نماید، روشن شدن این موضوع است که منظور از شهیدی از هر امت در قیامت چیست؟ ازاین‌رو نظر دو مفسر فوق در ادامه بررسی می‌شود:

ج) بررسی دیدگاه مفسران در تفسیر آیه ۸۹ نحل

قرآن کریم در سوره نحل می‌فرماید:

وَ يوْمَ نَبْعَثُ فِي كلِّ أُمَّه شَهيداً عَلَيهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ... .

و روزی (در قیامت) از هر امتی گواهی بر خودشان برانگیزیم و ترا بر اینان گواه آریم ... .

۱. علامه طباطبایی

علامه در تفسیر آیه ۸۴ نحل مشابه آیه ۸۹ این سوره، می‌نویسد: خداوند در قیامت از هر امتی یک نفر را که متحمل شهادت بر حقایق اعمال امت است، مبعوث می‌کند تا درباره عمل امت خود شهادت دهد و از عبارت «در کل امت» پیداست که منظور از امت، اهل زمان هر شهیدی است که بر آن امت شهادت خواهد داد، وی در ادامه می‌نویسد از آیه فهمیده نمی‌شود که این شاهد، پیامبر آن امت است یا شخصی نظیر امام. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲ / ۳۱۷) ایشان سپس در تفسیر آیه ۸۹ می‌نویسد: این بعث در قیامت بعد از بعث از قبور است و مبعوث هر امتی از خود امت قرار داده شده تا حجت قاطع‌تر باشد و عذری باقی نماند. وی در تفسیر «وَ جِئْنا بِک شَهيداً عَلي هؤُلاءِ» می‌گوید: مفسران از «هولاء» امت پیامبر را فهمیده‌اند، یعنی رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله شاهد بر امت خود است و منظور از امت تمام افراد عصر نبوی و نسل‌هایی است که تا قیامت می‌آیند که حضرت بر همه شاهد است. علامه در ادامه می‌فرماید: معلوم است که خدای تعالی این‌گونه امور را حجت‌هایی قرار داده که در روز قیامت بر انسان اقامه شوند تا

اعمال بر طبق حجت‌های روشنگر حق، قضاوت شوند و این اصلی است و اقتضایش این است که باید میان این حجت‌ها و نتایجش روابط حقیقی باشد. (همان: ۳۲۲) وی بر پایه این اصل نکاتی را در توضیح شهادت، شهید و شهدا در آیات مختلف به ترتیب زیر بیان می‌دارد:

یک. روشن است که اگر خدا می‌خواست به هر نحوی شاهد داشته باشد، می‌توانست حتی به موجودات بی‌جان دستور دهد که شهادت خواسته شده را بدهند یا خود خدا و ملائکه شهادت بدهند و براساس آن حکم نماید، کسی هم نیست که با خدا منازعه نماید. اما چنین شهادت زوری و ناتمام را که دافع شک نیست، خدا در حق مخلوق خود نمی‌پسندد، چطور ممکن است در حق خدای تعالی آن هم در آن روز حق تصور کنیم؟ ازاین‌رو شهادتی که در آن روز به امر خدای تعالی اقامه می‌گردد، باید مشتمل بر حقیقتی باشد که کسی نتواند در آن مناقشه کند. بنابراین، این شاهد باید دارای عصمت الهی بوده باشد تا به حقایق آن اعمالی که شهادت می‌دهد حتی به نیت درونی عامل، آگاه بوده باشد و حاضر و غایب برایش فرق نکرده و حقایق عمل آنها را آگاه باشد، نه اینکه صورت ظاهری عمل را ببیند و شهادت دهد؛ زیرا ظاهر قید «من انفسهم» در آیه، این شهادتی است که مستند به رؤیت و حس باشد، نه حجت عقلی و یا دلیل نقلی، به تعبیری شهادت باید مستند به عیان باشد، چنانچه ظاهر لفظ شهید نیز همین است، لذا حضرت عیسی علیه‌السلام فرموده است: «وَ كنْتُ عَلَيهِمْ شَهيداً ما دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي...». (مائده / ۱۱۷)

دو. به نظر علامه با این بیان ناسازگاری بین مضمون دو آیه: «وَ يوْمَ نَبْعَثُ فِي كلِّ أُمَّه شَهيداً عَلَيهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنا بِک شَهيداً عَلي هؤُلاءِ» (نحل / ۸۹) و آیه: «وَ كذلِک جَعَلْناكمْ أُمَّه وَسَطاً لِتَكونُوا شُهَداءَ عَلَي النَّاسِ وَ يكونَ الرَّسُولُ عَلَيكمْ شَهيداً». (بقره / ۱۴۳) از بین می‌رود؛ زیرا آیه ۸۹ نحل حاکی است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مستقیماً شاهد امت است اما ظاهر آیه بقره این است که امت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بر اعمال ناس گواهی می‌دهند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شاهد بر آن شهدا است و شهادتش بر اعمال سایر مردم به‌واسطه آن شهدا هست.

سه. بر این اساس نمی‌توان گفت مقصود از «امت وسط»، مؤمنان، و مقصود از «ناس» بقیه مردم خارج از امت‌اند؛ زیرا ظاهر آیه: «وَ يوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كلِّ أُمَّه شَهيداً ثُمَّ لا يؤْذَنُ لِلَّذِينَ كفَرُوا...» (نحل / ۸۴) این است که کفار هم از امت مشهودعلیه می‌باشند و لازمه این معنا این است که مراد از امت در آیه جماعتی از اهل یک عصر می‌باشد که یک نفر از شهدا شاهد بر اعمال آنان است، بر این اساس امتی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به سوی آنها مبعوث شده به امت‌های زیادی تقسیم می‌شود. قهرا مراد از شهید هم فردی خواهد بود که دارای عصمت بوده و شاهد حقایق اعمال هست، همچنان‌که قبلاً نیز گذشت، مؤید این معنا جمله «من انفسهم» است، زیرا اگر مشاهده نباشد، دیگر برای جمله «من انفسهم» محلی باقی

نمی‌ماند. پس باید برای هر امتی شاهدی از خودشان باشد، چه اینکه آن شاهد پیغمبر آنان باشد، یا غیر پیغمبرشان، چون میان شهید بودن و پیغمبر بودن ملازمه‌ای نیست، هم‌چنان‌که آیه «وَ جِيءَ بِالنَّبِيينَ وَ الشُّهَداءِ» (زمر / ۶۹) نیز آن را تأیید می‌کند.

د) بر این اساس مراد از کلمه «هؤلاء» در جمله «وَ جِئْنا بِک شَهِيداً عَلي هؤُلاءِ» شهدا خواهد بود نه امت، پس شهداء، شاهد بر مردم‌اند، و رسول خداﷺ شاهد بر آن شهدا است، و ظاهر شهادت بر شهدا این است که شاهد را تعدیل کند، نه این‌که ناظر بر اعمال او باشد، پس رسول خداﷺ شاهد بر مقام شهدا است نه بر اعمال آنان و به همین جهت لازم نیست رسول خداﷺ معاصر همه و هم زمان با شهدا باشد. (همان)

حال که بر هر امتی شاهد لازم است، بعد از پیامبرﷺ باید این شهود ادامه داشته باشدکه از نظر شیعه امامان دوازده‌گانه است.

صاحب ***مجمع البیان*** در ذیل آیه ۸۹ نحل می‌نویسد: براساس این آیه، هیچ عصری نباید خالی از فردی باشد که در نزد خدا عدل بوده و از جانب خدا باشد و سخنش بر مردم عصر خود حجت باشد. وی در ادامه گوید: این سخن نظر جبائی و معتزله و امامیه است با این تفاوت که امامیه این حجت عدل را از جانب خدا می‌داند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۱۷۹)

در ***تفسیر قمی*** در ذیل آیه: «وَ يوْمَ نَبْعَثُ فِي كلِّ أُمَّه شَهِيداً عَلَيهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» از امام صادقؑ روایت کرده که: برای هر عصر و امتی شهیدی است و هر امتی با امامش محشور می‌شود. (قمی، ۱۳۶۲: ۱ / ۳۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷ / ۳۰۸)

علامه طباطبایی در ادامه می‌فرماید: انصاف این است که اگر این تقریر را برای آیه نکنیم اشکال و اختلافی که در میان آیات راجع به شهادت هست رفع نمی‌شود، مثلاً آیه ۱۴۳ بقره و ۷۸ حج «لِيكونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيكمْ وَ تَكونُوا شُهَداءَ عَلَي النَّاسِ» دلالت دارند بر اینکه مراد از امت، مؤمنین‌اند و حال آنکه غیر این دو آیه دلالت دارند که مقصود از امت، همه اهل عصرند، و نیز آن دو آیه دلالت دارند بر این‌که رسول خداﷺ شهید بر شهدا است و میان او و مردم، شهدای دیگری هستند و آیات دیگر دلالت دارند بر اینکه بر همه مردم یک شهید گمارده شده، و او همان پیغمبر مردم است و در این صورت قید «من انفسهم» لغو می‌شود، چون پیغمبر هر مردمی همیشه با آن مردم و معاصر ایشان نیست و نیز شهادت زنده نخواهد بود، و حال آنکه آیه مربوط به شهادت حضرت عیسیؑ، شهید باید زنده باشد و ببیند و همچنین اشکالات دیگری. (همان: ۳۲۴)

۲. آلوسی

ایشان بر پایه روایت ابن‌عباس گوید: منظور از شهید هر امت پیـامبر آن اسـت. امـا ایـن سـخن اتفـاقی اهلِ‌سنت نیست چنان‌که وی از جبائی و اکثر معتزله آورده است که در هر عصری باید کسـی [ولـو غیـر پیامبر] وجود داشته باشد که گفتارش بر اهل عصر خود حجت باشد و از برخی نقل نموده که شهید اعضاء بدن است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۷ / ۴۵۰)

فخر رازی نیز در این آیه دو قول نقل کرده که در قول دوم گوید:

> هر امتی یا جمعی که در دنیا حاصل شود، باید در هر عصری از اعصار میان آنان شهیدی باشد که جایزالخطا نباشد و هیچ عصری نباید از شهید خالی باشد تا بر آنان شهادت دهد، چون اگر جایزالخطا باشد، تسلسل می‌شود. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۴۰۱)

روشن است که این سخن وی شهید را پیامبر امت نمی‌داند.

آلوسی از طبرسی در ***مجمع البیان*** نیز آورده است که گوید: مذهب جبائی و معتزله موافق مذهب شیعه است و سپس طبرسی گوید: آنان در مورد این فرد حجت، با شیعه مخالف‌اند. اما آلوسی غیر پیامبرِ امت بودن شاهد را قبول نکرده و گوید: اثبات این مطلب از آیه ضعیف است.

وی درباره مراد از «هولاء» در آیه، گوید: بسیاری از مفسران بر این باورند که مراد از «هولاء» امت پیامبر است؛ چون مراد از شهادت پیامبرﷺ بر امت خود بعد از شهادت آنان، برای تزکیه و تعدیل آنان است و این‌که مراد از هولاء امت خود است در روایت نیز وارد شده. (آلوسی، همان: ۷ / ۴۵۰) وی اضافه می‌کند که بعید نیست مراد از امت، حاضرین در زمان پیامبر و آیندگان تا قیامت باشد و اعمال همه امت بر حضرت عرضه می‌شود [و ایشان آگاهی می‌یابد]. وی در این قسمت احادیثی را در عرض اعمال بر رسول خداﷺ می‌آورد.

لازم به یادآوری است که وی احادیث عرض اعمال به رسول خداﷺ را با احادیث حوض که حاکی از طرد شدن برخی اصحاب ازآنجا هستند ... منافی هم می‌داند؛ چون احادیث حوض نشان می‌دهد که حضرت نبویﷺ از اعمال آنان آگاه نبوده است. لذا در ذیل آیه ۷۸ حج حل تنافی کرده که عبارت «انک لا تدري...» در حدیث حوض برای نفی علم پیامبرﷺ نیست بلکه برای اشاره به بزرگی گناه انجام گرفته بعد از پیامبر است. پس اگر به رسول گفته می‌شود که تو نمی‌دانی اینها بعد از تو چه کرده‌اند از جهت بزرگی گناه است، نه از جهت عدم شناخت ذوی الاعمال از سوی پیامبر. (آلوسی، همان: ۹ / ۲۰۰)

نکات اشتراک و افتراق طباطبایی و آلوسی در آیه ۸۹ نحل

۱. به نظر طباطبایی از «مِن کُلِّ اُمَّه» در آیه فهمیده می‌شود که منظور امت معاصر هر شهید است اما از آیه معلوم نیست که شهید هر امت پیامبر آن امت است یا شخصی مانند امام؛ اما آلوسی گوید: منظور از شهید پیامبر هر امت است، به نظر هر دو مفسر منظور از امت افراد حاضر در زمان نبوی و نسل‌های آینده تا قیامت است.

۲. به نظر طباطبایی شاهد ضمن داشتن عصمت الهی باید به حقایق اعمال و نیت درونی عامل آگاه باشد و این شاهد بعد از پیامبر در هر امتی ادامه دارد و آنها ائمه دوازده‌گانه‌اند لذا حضور پیامبر با هر امتی لازم نیست. اما به نظر آلوسی، پیامبر شاهد بر امت خود است و اعمال امت بر پیامبر در برزخ عرضه می‌شود.

۳. طباطبایی معتقد است مقصود از امت وسط، همه مؤمنان نیست تا مراد از ناس [در آیه] افراد خارج از امت باشد؛ چون امت رسول به کافران نیز شامل است؛ پس مراد گروهی از مؤمنان است که یکی از آنان در هر عصر بر امت شاهد است و قهراً شهید فردی است که دارای عصمت بوده و شاهد حقایق اعمال می‌باشد؛ اما آلوسی مراد از امت را همه مومنان می‌داند. ازاین‌رو به نظر طباطبایی مراد از «هولاء» همه امت نیست بلکه شهدا مردم است و رسول خدا این شهدا را تعدیل می‌کند، پس حضور و معاصر بودن پیامبر لازم نیست؛ اما به نظر آلوسی مراد از «هولاء» امت پیامبر است و پیامبر شاهد بر امت است.

۴. بر این پایه طباطبایی شاهد بر امت را در تمام امت‌ها ادامه‌دار می‌داند، چنانچه جبائی و اکثر معتزله و غیره از اهلِ‌سنت چنین دانسته‌اند.

نتیجه

طباطبایی و آلوسی ضمن اتفاق بر اصل شهادت رسول‌الله و مؤمنان در قیامت، در معنای شهادت و منظور از مؤمنین و نیز منظور از امت وسط در آیه ۱۴۳ بقره به ترتیب زیر با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند:

۱. منظور از شهادت به نظر طباطبایی تحمل آن در دنیا و انجام آن در قیامت است و لازمه چنین شهادت این است که شاهد از اعمال و انگیزه عمل مشهود علیه آگاهی داشته باشد. اما آلوسی گوید: شهادت پیامبر بر شهدا بدین جهت است که شریعت وی جامع است. لذا حضرت بر چیزی که انبیاء برایش فرستاده شده بودند، آگاهی دارد و شهادت می‌دهد.

۲. به نظر طباطبایی مراد از مؤمنان گروه ویژه است و آنها همان ائمه دوازده‌گانه‌اند، چنان‌که روایات معصومان تصریح بر این مسئله نموده‌اند؛ اما آلوسی منظور از مؤمنان را همه امت پیامبر می‌داند.

۳. منظور از امت وسط به نظر علامه یعنی واسطه بودن گروه خاص مؤمنین (ائمه‌علیهم‌السلام) بین امت و پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله است و این همان شاهد بودن ائمه بر اعمال مردم و شهادت و تزکیه پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله بر شهادت ائمه‌علیهم‌السلام است؛ چون حضور آنان بر پایه روایات تا قیامت مسلم است؛ اما آلوسی مراد از وسط را معنای لغوی آن همان خیار و عدول دانسته است و منظور از آیه هم به نظر ایشان همه مؤمنان است و شهادت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله از این جهت است که خدا وی را مطلع می‌کند و نیز اعمال امت در برزخ به پیامبر رسانده می‌شود و از این طریق عالم بر امت‌های گذشته است.

۴. منظور از دیدن مؤمنان که اعمال مردم را می‌بینند از نظر طباطبایی دیدن حقایق اعمال است و چنین مقام برای افراد خاص (ائمه‌علیهم‌السلام) می‌باشد نه همه مؤمنین؛ اما آلوسی گوید همه مؤمنان می‌بینند و منظور از دیدن عالم بودن آنان است.

۵. طباطبایی معتقد است: از آیه ۸۹ نحل معلوم نیست که شهید هر امت پیامبر آن امت است. اما آلوسی معتقد است: منظور از شهید، پیامبر هر امت است و اعمال امت در برزخ به پیامبر عرضه می‌شود.

۶. طباطبایی گوید شاهد باید با داشتن عصمت الهی به حقایق اعمال و نیت درونی عامل آگاه باشد؛ چون شهادت باید مستند به عیان باشد. بر این اساس مراد از «هولاء» همه امت نیست، شهدای مردم است و رسول‌صلی‌الله‌علیه‌وآله این شهدا را تعدیل می‌کند، پس حضور و معاصر بودن پیامبر لازم نیست؛ اما آلوسی گوید: پیامبر شاهد بر امت خود و امت شاهد امم است و آگاهی آنان با علاماتی است که خدا در اختیارش می‌گذارد.

منابع و مآخذ

- ***قرآن کریم***، ترجمه تفسیر المیزان.
- آلوسی، سید محمود، ١٤١٥ ق، ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی***، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن‌شهرآشوب، محمد، ۱۳۷۹ ق، ***مناقب آل ابی‌طالب***علیهم‌السلام، قم، علامه.
- ابن‌عاشور، محمد طاهر، ١٤٢٠ ق، ***تفسیر التحریر و التنویر***، بیروت، موسسة التاریخ العربی.
- ابن‌کثیر، اسماعیل، ١٤١٩ ق، ***تفسیر القرآن العظیم***، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- امام خمینی، سید روح‌الله، بی‌تا، ***تحریر الوسیلة***، قم، محمدی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ١٤١٥ ق، ***تفسیر نور الثقلین***، قم، اسماعیلیان، چ ٤.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۵ش، ***لغت‌نامه دهخدا***، تهران، دانشگاه تهران.

- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ١٤٢٠ ق، ***التفسیر الکبیر /مفاتیح الغیب***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
- راغب اصفهانی، ١٤١٢ ق، ***مفردات الفاظ القرآن***، بیروت، دار القلم.
- سیوطی، جلال‌الدین، ١٤٠٤ ق، ***الدر المنثور فی التفسیر بالماثور***، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.
- صفار قمی، محمد بن حسن، ١٤٠٤ ق، ***بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد***ﷺ، قم، مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، چ ۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، ***مجمع البیان لعلوم القرآن***، تهران، ناصرخسرو، چ ۳.
- عیاشی، محمد، ۱۳۸۰ ش، ***کتاب التفسیر***، تهران، مکتبة العلمیة الاسلامیة.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ١٤٠٦ ق، ***الوافی***، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیؑ.
- قرشی بنایی، سید علی‌اکبر، ١٤١٢ ق، ***قاموس قرآن***، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چ ٦.
- قمی، علی بن ابراهیم، ١٣٦٢ ش، ***تفسیر القمی***، طیب، قم، دار الکتاب، چ ۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ١٤٠٧ ق، ***الکافی***، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چ ٤١.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، ١٤١٠ ق، ***تفسیر فرات الکوفی***، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، ١٤٠٣ ق، ***بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار***ﷺ، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱ ش، ***تفسیر نمونه***، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چ ۱۰.
- نوری، محمد اسماعیل، ۱۳۷۹ ش، ***آشنایی با ابواب فقه***، بی‌جا، تهران، نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه.